

تحلیل ابعاد و اجزاء گفتمان امام خمینی (ره)

دکتر حسینعلی قجری^۱

چکیده

با عنایت به اهمیت گفتمان امام خمینی (ره) در جهان معاصر و تحول‌ساز بودن آن، این مقاله در تلاش است تا با استفاده از نظریه و روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه به صورت منظم و روشمند، ابعاد و اجزاء این گفتمان را شناسایی و مورد تحلیل قرار دهد. در راستای هدف فوق، این مقاله با بررسی متون امام خمینی در تلاش برای پاسخگویی به سؤال اصلی زیر شکل می‌گیرد:

«از منظر تحلیل گفتمان، ابعاد و اجزاء اصلی گفتمان امام خمینی کدامند؟»

در پاسخ به سؤال فوق، اهم نتایج حاصله از این مقاله عبارت‌اند از:

۱- این گفتمان سعی دارد با تفسیر جدید و همه‌جانبه‌نگر از اسلام به همه ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، معنایی متفاوت از اسلام سنتی و سایر گفتمان‌ها اعطا کند.

۲- در این گفتمان اسلام به مثابه یک دین کامل پنداشته می‌شود که سیاست از آن جدا نیست.

۳- نقطه کانونی این گفتمان "اسلام" با معنایی متفاوت و جدید است.

۴- دال برتر این گفتمان "مسلمان" با معنایی جدید و متفاوت می‌باشد.

۵- دال‌های تهی این گفتمان، عبارت‌اند از: استقلال، آزادی، قانون و عدالت.

۶- این گفتمان، دارای دقایق متعددی است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: آزادی، عدالت، اجتهاد، امامت، انقلاب، ایمان، ترقی، پیشرفت، قانون، شهادت، وحدت، حکومت و ولایت

واژگان کلیدی: گفتمان امام خمینی، نقطه کانونی، دال تهی، دال برتر، دقیقه، اسطوره، سوژه، هویت و موقعیت سوژه‌ای

۱- دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور؛ h_ghajari@yahoo.com

۱. طرح مسئله

ظهور، تکوین، گسترش و حاکم شدن گفتمان امام خمینی یکی از مسائل مهمی است که در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی و بعد از آن ذهن اکثر اندیشمندان و جامعه‌شناسان را به خود مشغول نمود. برخلاف باور طیف گسترده‌ای از جامعه‌شناسان که معتقد بودند در دنیای مدرن دین رو به افول است از اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد موجی از اسلام‌گرایی، جهان اسلام - از جمله خاورمیانه، مصر، لیبی، الجزایر و غیره - را فرا گرفت. یکی از مهم‌ترین این اسلام‌گرایی‌ها، گفتمان امام خمینی (ره) است که با استفاده خاص از اصول و مبانی اسلام و با توجه خاص به مقتضیات زمان و مکان و اخذ عناصری از سایرگفتمان‌های رایج در ایران تکوین یافت و توانست با مغلوب نمودن گفتمان مسلط و به حاشیه‌راندن گفتمان‌های دیگر همانند اسلام سنتی، سوسیالیسم، سلطنت مشروطه و... در ایران حاکم شود.

ظهور، تکوین و سپس حاکم شدن گفتمان سیاسی امام خمینی در ایران، با پیامدهای سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای که در داخل و خارج داشت، به عنوان یک مسئله اجتماعی، صاحب‌نظران و اندیشمندان را به تأمل و تفکر درباره ماهیت، چرایی و چگونگی تکوین و حاکم شدن آن وا داشته است. آنها در قالب نظریه‌های انقلاب و جنبش‌ها، سعی در توصیف ماهیت اسلام‌گرایی‌ها، «چرایی» ظهور آنها و بعضاً، گفتمان سیاسی امام خمینی داشته‌اند؛ اما با بررسی این تحقیقات جای یک مطالعه روشمند و نظام‌مند را در توصیف ماهیت، ابعاد و اجزاء گفتمان امام خمینی خالی می‌بینیم و غالباً شاهد پاره‌گویی‌هایی در این خصوص می‌باشیم. با توجه به خلأ موجود در خصوص توصیف ماهیت، ابعاد و اجزاء گفتمان امام خمینی، ما نیازمند رویکردی مناسب برای توصیف این گفتمان می‌باشیم. یکی از رویکردهایی که یکی دو دهه اخیر به دلیل داشتن ماهیت بین‌رشته‌ای و تردیدهای متعدد نسبت به رویکردهای موجود در مطالعه پدیده‌های اجتماعی، رشد گسترده‌ای داشته و در حوزه جامعه‌شناسی رسوخ روزافزونی پیدا کرده، ولی هنوز جایگاه مناسب خود را در کشور ما پیدا نکرده است، تحلیل گفتمان^۱ می‌باشد. تحلیل گفتمان که برآمده از انتقادات وارده به سایر رویکردهاست، از توان خاصی برای توصیف گفتمان‌ها، شیوه گفتمان‌سازی، منازعات گفتمانی و چرایی گسترش و حاکم شدن گفتمان‌های مختلف برخوردار است.^۲ با توجه به اهمیت گفتمان امام خمینی به عنوان یک مسئله اجتماعی و سیاسی و ابهام در برخی ابعاد و اجزاء این گفتمان و رشد روزافزون و توان تحلیل گفتمان برای بررسی این مسئله، مقاله حاضر در تلاش است تا با استفاده از نظریه و روش تحلیل گفتمان به توصیف این گفتمان و شناخت ابعاد و اجزاء آن بپردازد.

۱ - discourse analysis

۲ - لازم به ذکر است که این‌جا منظور این نیست که تحلیل گفتمان جایگزینی برای سایر رویکردهاست و سعی دارد آنها را نفی کند؛ بلکه مقصود نویسنده این است که تحلیل گفتمان می‌تواند پدیده‌های اندیشه‌ای و فرهنگی را به طور عمیق‌تر مورد مطالعه قرار دهد و در برخی موارد می‌تواند مکملی برای سایر رویکردها باشد.

۲. سؤال‌های تحقیق^۱

با توجه به آنچه در طرح مسئله ذکر شد این مقاله در تلاش است تا به سؤال اصلی و سؤالات فرعی زیر

پاسخ دهد:

سؤال اصلی:

«از منظر تحلیل گفتمان، ابعاد و اجزاء اصلی گفتمان امام خمینی کدامند؟»

سؤال‌های فرعی:

- این گفتمان به چه جنبه‌هایی از جهان معنا می‌دهند؟ چه معنایی به این جنبه می‌دهد؟
- نقطه یا نقاط کانونی این گفتمان کدامند؟
- دال برتر این گفتمان چیست؟
- دال تهی این گفتمان چیست؟
- دقایق این گفتمان چیست؟
- بر اساس منطق تمایز، در این گفتمان چه خرده‌گفتمان‌هایی یافت می‌شود؟
- اسطوره این گفتمان چیست؟ هر گفتمان چه چیزی را نفی می‌کند و چه وضع مطلوب و آرمانی‌ای را پیشنهاد می‌کند؟
- این گفتمان چه سوژه‌هایی را معرفی و خلق می‌کند؟
- هر سوژه دارای چه هویتی است و چگونه تعریف می‌شود (مثبت یا منفی)؟
- موقعیت‌های سوژه‌ای این گفتمان کدامند؟

۳. ضرورت و اهداف تحقیق

مهم‌ترین دغدغه علوم اجتماعی و به‌طور خاص جامعه‌شناسی بررسی و مطالعه پدیده‌های مختلف اجتماعی و سیاسی است. جامعه‌شناسی، سعی دارد به توصیف، تبیین، فهم و تفسیر پدیده‌های مختلف سیاسی و اجتماعی بپردازد و در این بررسی با کمک گرفتن از دیدگاه‌های مختلف نظری از جمله پوزیتویسم، تفسیرگرایی، مارکسیسم، اختیار عاقلانه و...، پرتویی به ابعاد مختلف این پدیده‌ها بناباند و برخی از ابعاد و جوانب آن‌ها را روشن کند. لذا با توجه به این‌که ظهور، تکوین و سپس حاکم شدن گفتمان امام خمینی در ایران یکی از مسائل مهم برای جامعه‌شناسی و همچنین یک مسئله اجتماعی - سیاسی تأثیرگذار و مهم در عصر حاضر است که منطقه و جهان را متأثر نموده است و کاری جدی و اختصاصی آن‌هم از منظر و با کمک روش تحلیل گفتمان برای توصیف گفتمان امام خمینی صورت پذیرفته، انجام این پژوهش جهت تحقق اهداف کلی زیر ضروری به نظر می‌رسد:

- ارائه توصیفی دقیق، نظام‌مند و متفاوت از گفتمان امام خمینی از منظر تحلیل گفتمان.
- شناخت ابعاد و اجزاء اصلی و مهم این گفتمان.

۱- با توجه به این‌که این سؤال اکتشافی است فرضیه‌ای در پاسخ به آن مطرح نمی‌گردد.

۴. چهارچوب نظری (مفهومی)

در این مقاله، از نظریه تحلیل گفتمان^۱ لاکلاو و موفه به عنوان چهارچوب نظری (مفهومی) استفاده می‌شود. لاکلاو و موفه از نظریه پردازان مهم تحلیل گفتمان و متعلق به مکتب پسا ساختارگرایی هستند. این دو، کار خود در خصوص گفتمان را با نقد تمایز میان گفتمانی و غیرگفتمانی توسط فوکو آغاز می‌کنند. لاکلاو و موفه دارای دو نظریه معنا و اجتماعی هستند. نظریه اجتماع آن‌ها برای بررسی چگونگی تکوین و چرایی هژمونیک شدن گفتمان و نظریه معنای شان برای توصیف گفتمان مناسب است. نظریه معنای لاکلاو و موفه که مبتنی بر ساختارگرایی است ابزار مناسبی را برای توصیف گفتمان و اجزای تشکیل دهنده آن فراهم می‌کند. در این مقاله، از نظریه معنای لاکلاو و موفه برای توصیف و شناخت ابعاد و اجزاء گفتمان امام خمینی استفاده خواهد شد.

لاکلاو و موفه، برای توصیف هر گفتمان، از مفاهیم متعددی استفاده می‌کنند. اهم مفاهیمی که در این مقاله برای توصیف گفتمان امام خمینی و شناخت ابعاد و اجزاء آن، از آن‌ها استفاده می‌شود، عبارت‌اند از:

نقاط کانونی^۲

به نظر لاکلاو و موفه یک گفتمان با تثبیت نسبی معنا حول نقاط کانونی شکل می‌گیرد (Laclau & Muffe, ۱۹۸۵: ۱۱۲). نقطه کانونی یک نشانه ممتاز است که نشانه‌های دیگر اطراف آن مرتب شده‌اند؛ نشانه‌های دیگر، معنایشان را از ارتباط با نقطه کانونی به دست می‌آورند. به عنوان نمونه، "بدن" یک نقطه کانونی است که حول آن خیلی معانی دیگر متبلور می‌شوند. نشانه‌هایی از قبل علایم بیماری، بافت و جراحی، معنایشان را در رابطه با بدن به شیوه فرهنگی خاصی به دست می‌آورند.

عناصر^۳

عناصر نشانه‌هایی هستند که معنایشان هنوز تثبیت نشده‌است، یا به عبارت دیگر نشانه‌هایی هستند که معانی چندگانه‌ای دارند.

دقایق^۴

عناصری هستند که معنایشان در درون گفتمان و توسط مفصل‌بندی گفتمان تثبیت شده است. با استفاده از مفهوم عنصر و دقیقه می‌توان گفت که گفتمان تلاش می‌کند تا به وسیله کاهش چندمعنایی به یک معنی کاملاً تثبیت شده "عناصر" را به "دقیقه‌ها" تبدیل کند. در اصطلاح لاکلاو و موفه، گفتمان، یک انجماد^۵، یعنی توقف موقتی، برای سیالیت معنای نشانه‌ها ایجاد می‌کند. اما این انجماد هرگز قطعی نیست؛ به عبارت دیگر گذر از عناصر به دقیقه‌ها هرگز تکمیل نمی‌شود (Laclau & Muffe, ۱۹۸۵: ۱۱۰).

۱ - باید این نکته را مد نظر قرار داد که در تحلیل گفتمان نظریه و روش در هم تنیده شده‌اند.

۲ - nodal point

۳ - element

۴ - moment

۵ - closure

مفصل‌بندی^۱

به نظر لاکلاو و موفه، یک کلمه خودش نمی‌گوید که چگونه باید در ارتباط با دیگر نشانه‌ها برای معنی‌دار شدن قرار داده شود؛ بلکه این کار توسط مفصل‌بندی انجام می‌شود. لاکلاو و موفه، مفصل‌بندی را به هر عملی که بین عناصر رابطه برقرار می‌کند، به طوری که هویت عناصر تغییر داده شود، تعریف می‌کنند. واژه بدن، چند معنایی است و هویتش در ارتباط با دیگر کلمات در یک مفصل‌بندی مشخص می‌شود. برای نمونه، پاره‌گفتار بدن و روح، بدن را در یک گفتمان مذهبی قرار می‌دهد. بنابراین برخی از معانی این واژه، مورد توجه قرار می‌گیرند و معانی دیگر نادیده انگاشته می‌شوند (Jorgenson & Phillips, ۲۰۰۲: ۲۸).

دال تهی^۲

لاکلاو مفهوم ساختار‌بندی گفتمانی را با معرفی مفهوم دال تهی بسط داده است. در نظریه گفتمان، عرصه اجتماعی هرگز بسته نیست و کردارهای سیاسی سعی می‌کنند تا این عدم انجاماد را رفع کنند. اگر چه تمامیت و کلیت اجتماعی هرگز غیر قابل دسترس است، ضرورتش را هرگز نمی‌توان نادیده گرفت؛ حتی اگر انجاماد کامل در هیچ جای جامعه قابل تحقق نباشد. ایده انجاماد و تمامیت هنوز به عنوان یک آرمان کاربرد دارد. آنچه که برای ظهور و کارکرد این آرمان ضروری است دال تهی می‌باشد. لاکلاو با ذکر مثال‌هایی نظمی می‌گوید در بی‌نظم کامل همان‌گونه که نظم غایب است حاضر نیز هست. نظم در بی‌نظمی کامل به عنوان دال این غیبت به یک دال تهی تبدیل می‌شود. نیروهای سیاسی می‌توانند در این‌جا با همدیگر به رقابت بپردازند و اهدافشان را به عنوان چیزی معرفی نمایند که این کمبود را جبران می‌کند (Howarth & Stavrakakis, ۲۰۰۰: ۷-۹).

موقعیت سوژه‌ای^۳

به نظر لاکلاو و موفه، گفتمان‌ها موقعیت‌هایی را برای مردم طراحی می‌کنند که مردم آن‌ها را به‌عنوان سوژه اشغال کنند. مثلاً به مشاوره پزشکی، موقعیت پزشک و بیمار اختصاص داده شده است. همراه با این موقعیت‌ها، انتظارات خاصی برای چگونه عمل کردن و گفتن و نگفتن چیزها وجود دارد. همگام با پی‌ساختارگرایی لاکلاو و موفه معتقدند که هرگز یک گفتمان نمی‌تواند به تنهایی جامعه را ساختار دهد. همیشه چندین گفتمان رقیب در بازی هستند. همان‌طور، آنها همگام با آلتوسر معتقدند که سوژه خودمختار نیست؛ بلکه سوژه توسط گفتمان تعیین می‌شود. در مقابل نظریه آلتوسر به نظر آنها سوژه چندپاره است، سوژه فقط به یک شیوه و توسط یک گفتمان در موقعیت قرار داده نشده است؛ بلکه موقعیت‌های مختلف توسط گفتمان‌های متعدد به او نسبت داده شده است. در نظر لاکلاو و موفه، سوژه‌ها همیشه دارای تعیین چند جانبه هستند؛ زیرا گفتمان‌ها همیشه مشروط هستند و یک منطق عینی وجود ندارد که یک موقعیت سوژه‌ای منفرد را مطرح کند. موقعیت‌های سوژه‌ای که

۱ - articulation

۲ - Empty signifier

۳ - Subject position

در مبارزه آشکار با دیگر موقعیت‌ها نیستند پیامد فرایند هژمونیک هستند (Howarth & Stavrakakis, ۲۰۰۰: ۴۱).

دال برتر^۱

نظریه گفتمان لاکلاو و موفه در مورد سوژه متأثر از لاکان نیز هست. لاکان از دال‌های برتر صحبت می‌کند که به زبان لاکلاو و موفه می‌توانیم آن‌ها را نقاط کانونی هویت بنامیم. "مرد" یک نمونه برای دال برتر است و گفتمان‌های مختلف محتواهای متعددی برای پرنمودن این دال ارائه می‌دهند. این کار به واسطه پیوند دادن دال‌ها در زنجیره هم‌ارزی که هویت را به شیوه رابطه‌ای شکل می‌دهد اتفاق می‌افتد (Laclau & Muffe, ۱۹۸۵: ۱۲). هویت در نظر لاکلاو و موفه پدیده‌ای است اجتماعی که توسط گفتمان تعریف می‌شود.

هویت

نظریه گفتمان، راهی را که کردارهای اجتماعی، به‌طور نظام‌مند، هویت سوژه‌ها و ایزه‌ها را با مفصل‌بندی مجموعه‌ای از عناصر دلالت‌گر امکانی و قابل دسترس در یک قلمرو گفتمانی شکل می‌دهند، مورد بررسی قرار می‌دهد.

نظریه گفتمان، بر امکانی بودن همه هویت‌های اجتماعی تأکید دارد؛ ولی با این وجود تأکید می‌کند که تثبیت جزئی ممکن و ضروری است. به این طریق، نظریه گفتمان بیانی از تغییر اجتماعی ارائه می‌دهد که نه عدم پیوستگی و تداوم را به منطقی ذاتی کاهش می‌دهد و نه هر تداوم و تثبیت معنا را نفی می‌کند. لاکلاو و موفه بیان می‌کنند که هویت توسط مفصل‌بندی یا مفصل‌بندی مجدد عناصر دلالت‌گر آشکار می‌شود. از این‌رو، آنها مفصل‌بندی را به‌عنوان هر اقدام برقرارکننده رابطه بین عناصر، به‌گونه‌ای که هویتشان ناشی از عمل مفصل‌بندی باشد، تعریف می‌کنند (Howarth & Stavrakakis, ۲۰۰۰: ۴۱).

قلمرو گفتمانی

گفتمان به‌عنوان یک کلیت که هر نشانه به عنوان یک "دقیقه" به واسطه رابطه‌اش با دیگر نشانه‌ها تثبیت شده تعریف شده است. این کار به وسیله طرد معانی ممکن دیگر که نشانه‌ها می‌توانند داشته باشند، یعنی همه شیوه‌های ممکن دیگر که نشانه‌ها ممکن است با یکدیگر ارتباط داشته باشند، صورت می‌گیرد. در نتیجه گفتمان، کاهش امکان‌های مختلف است. گفتمان تلاشی برای متوقف ساختن سیالیت نشانه‌ها در ارتباط با یکدیگر و برای ایجاد یک نظام متحد معنا است. همه امکان‌هایی را که گفتمان طرد می‌کند لاکلاو و موفه قلمرو گفتمانی می‌نامند (Laclau & Muffe, ۱۹۸۵: ۱۱۱). قلمرو گفتمانی، مخزنی است برای مازاد معانی تولید شده به وسیله عمل مفصل‌بندی؛ یعنی معانی‌ای که هر نشانه در دیگر گفتمان‌ها دارد یا داشته است ولی توسط گفتمان خاصی برای ایجاد یک وحدت معنایی طرد شده‌اند.

ما اکنون می‌توانیم همه اصطلاحات را به یکدیگر مرتبط کنیم. براساس نظریه لاکلاو و موفه، گفتمان مجموعه‌ای از دال‌ها است که حول یک یا چند نقطه کانونی، دال برتر یا دال تهی مفصل‌بندی می‌شوند. عمل

۱ - Master signifier

مفصل‌بندی باعث می‌شود که به دال‌ها و سوژها معانی، هویت‌ها و موقعیت‌های خاصی تخصیص داده شود. تخصیص موقعیت، معنا و هویت خاصی باعث طرد سایر معانی، هویت‌ها و موقعیت‌ها می‌شود. این معانی، موقعیت‌ها و هویت‌های طردشده، وارد قلمرو گفتمانی می‌شوند و به عنوان رقیب مفصل‌بندی حاضر، امکان دارد زمانی به مفصل‌بندی غالب تبدیل شوند.

۵. روش مطالعه

نوع روش این مقاله "تحلیل گفتمان" به عنوان روشی کیفی است. آن‌گونه که، یورگنسن و فیلیپس و سایر تحلیل‌گران برجسته گفتمان می‌گویند، تحلیل گفتمان یک مجموعه کامل است که می‌توان آن‌ها را برای مطالعه بیشتر موضوعات اجتماعی و به‌طورخاص موضوعات فرهنگی به کار برد. هر کدام از رهیافت‌های تحلیل گفتمان، فقط یک روش برای تحلیل داده‌ها نیست؛ بلکه یک کل روش‌شناختی و نظری و یک مجموعه کامل است. این مجموعه، متشکل است از: مفروضات فلسفی (هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی) راجع به نقش زبان در ساخت اجتماعی جهان، مدل‌های نظری، خطوط راهنمای روش‌شناسی برای چگونگی بررسی یک قلمرو تحقیقی و تکنیک‌های خاص تحلیل (Jorgenson & Phillips, ۲۰۰۲: ۴).

۵-۱- شیوه گردآوری داده‌ها و نمونه‌گیری

بر اساس اصول روش‌شناسی تحلیل گفتمان، در این مقاله، روش گردآوری اطلاعات روش اسنادی و کتابخانه‌ای با استفاده از اسناد و متون دست اول (اطلاعات اولیه) است. بر اساس اصول روش‌شناسی تحلیل گفتمان، در این مقاله، نخست، کتاب ولایت فقیه و صحیفه امام از جلد یکم تا ششم که مربوط به سخنان امام قبل از انقلاب بوده‌اند انتخاب و از میان آن‌ها با شیوه نمونه‌گیری نظری و هدفمند، متون مناسب و برجسته‌گزینه‌شده‌اند.

۵-۲- شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش‌های تجزیه و تحلیل در تحلیل گفتمان در همه صورت‌های مبتنی بر نظریه است و نظریه‌های مختلف تحلیل گفتمان روش‌های مختلف را برای تجزیه و تحلیل پیشنهاد می‌کنند. روش‌های تجزیه و تحلیل این مقاله عمدتاً مبتنی بر روش لاکلاو و موفه است و سعی می‌شود که متون با توجه به چهارچوب مفهومی که نظریه معنای لاکلاو و موفه در اختیار ما می‌گذارد در پاسخ به سؤالات مقاله مورد تجزیه و تحلیل واقع شوند.

۶- یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر اساس اصول روش‌شناختی گفتمان، این مقاله برای یافتن پاسخ سؤالات خود به توصیف و تحلیل گفتارها و نوشتارهای امام خمینی مندرج در کتاب ولایت فقیه (حکومت اسلامی) و صحیفه امام (جلد یکم تا ششم که مرتبط با موضوع مقاله هستند) می‌پردازد. با مرور این دو اثر، می‌توان به ترتیب برای سؤالات مقاله پاسخ‌های درخور زیر را یافت:

• این گفتمان به چه ابعادی از جهان معنا می‌دهد؟ چه معنایی به این ابعاد می‌دهد؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که این گفتمان سعی دارد به تمام ابعاد دنیوی و اخروی معنا بدهد. این گفتمان به هر چهار بُعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این جهان، معنا می‌بخشد. امام خمینی، مکرر در کتاب ولایت فقیه اظهار می‌دارد اسلام دین جامعی است و برای تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی از جمله سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارای برنامه است و صرفاً «احکام حیض و نفاس» نیست (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۰-۱۱). امام همچنین به کرات در سخنرانی‌های خود اسلام را دین جامعی می‌داند که به همه ابعاد زندگی و جهان، معنا می‌بخشد. به‌عنوان نمونه، ایشان در سخنرانی خود در جمع ایرانیان مقیم خارج در نوفل‌لوشاتو می‌گویند:

اسلام - همان‌طوری که همه می‌دانید - فقط احکامی ظاهری که راجع به افراد باشد نیست؛ همین‌طور همه اسلام عبارت از قیام و نهضت و این‌ها هم نیست. اسلام خیلی جهات دارد و کسی که بخواهد اسلام را بشناسد، همه جهاتی را که در اسلام هست، یعنی آن چیزی که مربوط به رشد فرد است، آنکه مربوط به رشد جامعه است، آنکه مربوط به سیاستی است که بین آن و سایر ملل هست، آنکه مربوط به اقتصاد است، آنکه مربوط به فرهنگ است، تمام این‌ها در اسلام هست... (صحیفه امام، ج ۵: ۲۱۸).

ایشان، همچنین در خصوص جامعیت اسلام در کتاب ولایت فقیه (حکومت اسلامی) می‌نویسند: «احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد... قرآن مجید و سنت شامل همه دستورات و احکامی است که بشر برای سعادت و کمال خود احتیاج دارد.» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۹)

امام سعی دارد بر اساس اصول اسلام و تفاسیری که از این اصول دارند به تمام این ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی معنا ببخشد. امام همه این ابعاد را بر اساس تفسیر جدیدی از اسلام معنا می‌بخشد. امام در کتاب ولایت فقیه و بیانات و مصاحبه‌های خود به کلیت معانی اختصاص داده شده اشاره می‌نماید و وارد جزئیات نمی‌شود و جزئیات را به بعد موکول می‌نماید و با پیش‌فرض این‌که این اصول مشخص و واضح هستند بیان می‌دارد برای یافتن این اصول به اسلام مراجعه کنید؛ این اصول واضح و مشخص هستند. برای نمونه در ذیل پاره‌ای از متون این گفتمان، در خصوص ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مندرج می‌گردد:

- بُعد اقتصادی

به‌طورکلی امام، اقتصاد مورد نظرش را اقتصادی مبتنی بر قوانین اسلامی می‌داند که از اقتصاد سرمایه‌داری جداست و اقتصادی سالم، مستقل و ملی است (امام خمینی، ۱۳۸۵ و صحیفه امام، ج ۱-۶). به عنوان نمونه، امام، در مصاحبه‌ای با روزنامه «استریت تایمز» در ۲۵ دی ۱۳۵۷ در نوفل‌لوشاتو پاریس، در پاسخ به سؤال خبرنگار روزنامه استریت تایمز سنگاپور که از ایشان می‌پرسد: «فرض کنیم شما موفق شدید بر شاه غلبه کنید؛ و همچنین موفق شدید که نیروی مخالف کنونی را متحد کنید؛ زودرس‌ترین سیاست‌های اصلی اقتصادی و سیاسی شما چه خواهد بود؟» پاسخ می‌دهد:

«ما خواستار یک اقتصاد سالم و غیروابسته هستیم. شاه اقتصاد ایران را فلج کرده است و همه مخازن ما را در اختیار شرق و غرب - به خصوص آمریکا - قرار داده است. ما با این مبارزه کرده و هرگز اجازه نمی‌دهیم تا هستی ما را غارت کنند. ما در تمام زمینه‌های اقتصادی یک انقلاب واقعی خواهیم کرد. امر کشاورزی در حکومت ما از اولویت خاصی برخوردار است؛ برای این‌که شاه با اصلاحات ارضی آمریکایی خود، کشاورزی ما را نابود کرد. در زمینه صنعت، با ایجاد صنایع مادر، از صنایع مونتاژ جلوگیری به عمل می‌آوریم. ایران کشوری مستقل است و دارای سیاستی مستقل. دست شرق و غرب را از وطن خود کوتاه می‌کنیم. تمام وابستگی‌های سیاسی را از بین می‌بریم و مردم را بر سرنوشتشان حاکم می‌گردانیم و مردم را که بیش از پنجاه سال است از همه‌گونه حقی در ایران محروم بوده‌اند آزاد می‌گردانیم تا با کمال آزادگی به خواست‌های مشروع خود برسند. ولی منکر این معنی نیستیم که پس از پیروزی، با بحران‌های شدید اقتصادی مواجه خواهیم بود. ولی به امید خدا شکست‌های اقتصادی دوران پهلوی را جبران خواهیم کرد.» (صحیفه امام، ج ۵: ۴۷۲-۴۷۳)^۱

- بُعد فرهنگی

یکی از مهم‌ترین ابعاد که گفتمان امام خمینی معنای موجود در خصوص آن را نفی و سعی دارد به آن معنایی جدید ببخشد، بُعد فرهنگی است.

امام، در کتاب ولایت فقیه و بیانات و سخنرانی‌های خود به کرات از واژه فرهنگ یاد می‌نماید. ایشان بیش‌تر فرهنگ دوران پهلوی را نقد و آن را یک فرهنگ وابسته، استعماری، خراب، فاسد، غیراسلامی و غیرمترقی و ارتجاعی می‌داند و فرهنگ مورد نظر خود را فرهنگی اسلامی، مستقل و مترقی معرفی می‌کند (صحیفه امام، ج ۴: ۴۵۶، ۲۶۷، ۹۱، ۶۳، ۳۸، ۵: ۳۱، ۵۱، ۵۲).

به عنوان نمونه، در اهمیت فرهنگ، ایشان در یک سخنرانی، در جمع روحانیون و طلاب در اواخر دی ۱۳۵۶ در مسجد شیخ انصاری نجف، بیان می‌نماید:

«فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت است. اگر فرهنگ، ناصالح شد، این جوان‌هایی که تربیت می‌شوند به این تربیت‌های فرهنگ ناصالح، این‌ها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند. فرهنگ استعماری، جوان استعماری تحویل مملکت می‌دهد. فرهنگی که با نقشه دیگران درست می‌شود و اجانب برای ما نقشه‌کشی می‌کنند و با صورت فرهنگ می‌خواهند تحویل جامعه ما بدهند، این فرهنگ، فرهنگ استعماری و انگلی است. و این فرهنگ از همه چیزها، حتی از این اسلحه این قلدرها بدتر است. این قلدرها اسلحه‌شان بعد از چند وقت می‌شکند، و حالا هم شکسته، اما وقتی فرهنگ فاسد شد، جوان‌های ما که زیربنای تأسیس همه چیز هستند از دست ما می‌روند و انگل بار می‌آیند، غرب‌زده بار می‌آیند. این‌ها را از همان اول، از همان کلاس‌های اول، توی ذهن‌هایشان می‌کنند تا برسند به آن بالا. اگر فرهنگ، فرهنگ صحیح باشد جوان‌های ما صحیح بار می‌آیند. اگر فرهنگ حق باشد، فرهنگ الهی باشد، فرهنگی باشد که برای منفعت اهل ملت، برای منفعت مسلمین باشد، این افرادی که می‌بینید که الآن سر کار هستند، این‌ها از آن‌ها بیرون نمی‌آیند. فرهنگ ما یک فرهنگ استعماری است، فرهنگ ما در دست ضلحا نیست، صالح اداره‌اش نمی‌کند. اگر دانشگاه

۱ - همچنین نگاه کنید به: صحیفه امام، جلد ۴: ۴۵۶-۴۵۵، و جلد ۵: ۴۳۷-۴۳۶

ما یک دانشگاه صحیح استقلالی بود، مستقل بود، و اشخاصی که در آنجا - اگر صالحی هم در آنجا باشد - می‌توانستند که کاری را که می‌خواهند و صلاح است انجام بدهند، روزگار مملکت ما به این‌جا نمی‌رسید؛ و به بدتر از این‌که نسل آتیه شاید - خدای نخواست - بشود. دانشگاه ما را اشخاصی قبضه کردند که این‌ها خودشان انگل هستند، و خودشان استعماری هستند، و خودشان نوکرمآب هستند. و تمام این‌ها سرچشمه‌اش همان یک نفر آدم است. حالا مگر در دانشگاه اگر یک معلمی، یک استادی، بخواهد یک چیزی بگوید، قدرت دارد؟ مگر سازمان امنیت به امر «اعلی‌حضرت» می‌گذارد که یک همچو حرفی بشود؟ اگر دانشگاه ما یک دانشگاه صحیحی بود، این جوان‌های ما که در دانشگاه می‌خواهند یک حرف حقی را بزنند، با پلیس خفه‌شان نمی‌کردند. دختر را می‌زنند، پسر را می‌زنند، جوان را می‌زنند، حبس می‌کنند، چه می‌کنند! خوب برای این است که دانشگاه ما استقلالی ندارد. دانشگاه ما نداریم. دانشگاهی که یک نفر آدم بر آن حکومت کند، این دانشگاه نمی‌شود. محیط علم باید محیط آزاد باشد.» (صحیفه امام، ج ۳، ۳۰۷-۳۰۶).^۱

- بُعد سیاسی و اجتماعی

امام در گفتار خود بیشتر سعی دارند تا بُعد سیاسی و اجتماعی اسلام را که از نظر ایشان، مغفول مانده پررنگ کند. به نظر امام، اسلام، دینی کاملاً سیاسی است و سیاست و اسلام با همدیگر آمیخته‌اند. امام معتقد است با توجه به ماهیت احکام اسلام، باید حکومت اسلامی ایجاد شود و به همین دلیل کتاب ولایت فقیه را به نگارش درمی‌آورد و بیشتر بیانات ایشان در این کتاب، درباره سیاست و اسلامی بودن سیاست است. امام خمینی، در کتاب حکومت اسلامی و بیانات‌شان، به کرات نوع سیاست خود را سیاستی مبتنی بر قواعد و موازین اسلامی معرفی می‌نماید که البته امام از این موازین و احکام تفسیر خاص خود را ارائه می‌دهد و حکومت اسلامی را از آن‌ها استخراج می‌نماید (امام خمینی، ۱۳۸۵ و صحیفه امام، ج ۶-۱). به عنوان نمونه ایشان می‌فرمایند:

اسلام همانند مسیحیت نیست؛ اسلام دینی سیاسی است (صحیفه امام، ج ۱: ۳۸۳)
ایشان همچنین، در خصوص اهمیت سیاست و دولت در اسلام، بیان می‌دارند:

«یکی از ابعاد انسان بُعدی است که در این دنیای مادی می‌خواهد معاشرت بکند، در این دنیای مادی می‌خواهد تأسیس دولت بکند، در این دنیای مادی می‌خواهد تأسیس مثلاً سایر چیزهایی که مربوط به مادیتش هست بکند. اسلام این را هم دارد. آن قدر آیه و روایت که در سیاست وارد شده است، در عبادات وارد نشده است. شما پنجاه و چند کتاب فقه را ملاحظه می‌کنید، هفت - هشت تا کتابی است که مربوط به عبادات است، باقی‌اش مربوط به سیاسات و اجتماعیات و معاشرت و این‌طور چیزهاست. ما همه آن‌ها را گذاشتیم کنار و یک بُعد را، یک بُعد ضعیفش را گرفتیم. اسلام را همچو بد معرفی کرده‌اند به ما که ما هم باورمان آمده است که اسلام [را] به سیاست چه! سیاست مال قیصر و محراب مال آخوند! - محراب هم نمی‌گذارند برای ما باشد - اسلام دین سیاست است؛ حکومت دارد. شما بخشنامه حضرت امیر و کتاب حضرت امیر به مالک اشتر را بخوانید ببینید چیست. دستورهای پیغمبر و دستورهای امام - علیه‌السلام - در

۱ - همچنین نگاه کنید به: صحیفه امام، جلد ۱: ۳۹۰ و جلد ۴: ۲۰۳

جنگ‌ها و در سیاست ببینید چه دارد. این ذخایر را ما داریم، غرض استفاده‌اش را نداریم. ذخیره موجود است، همه چیز داریم، غرض استفاده نداریم. مثل این که ایران همه چیز دارد اما می‌دهند او را به غیر. ما کتاب و سنت مان غنی است، همه چیز در آن هست لکن بد معرفی کردند به ما؛ یعنی کارشناس‌ها.» (صحیفه امام، ج ۶: ۴۳-۴۲)¹.

• نقطه یا نقاط کانونی این گفتمان چیست؟

با توجه به متون گفتاری و نوشتاری امام خمینی، می‌بینیم واژه‌ای که از بیشترین فراوانی برخوردار است و هر دال دیگر در ارتباط و ارجاع به آن معنای خود را می‌یابد و تمام دال‌های دیگر با صفت این واژه متصف می‌گردند "اسلام" است. در این گفتمان، برای تعریف همه دال‌ها می‌توانیم به آن‌ها صفت "اسلامی" بیفزاییم؛ همان کاری که امام در متون نوشتاری و گفتاری خویش انجام می‌دهد و به برخی از آن‌ها در بالا اشاره کردید. در این گفتمان ما می‌بینیم که تمام دال‌ها به صفت اسلامی متصف می‌شوند. به عنوان نمونه: حکومت اسلامی، عدالت اسلامی، فرهنگ اسلامی، اقتصاد اسلامی، جامعه اسلامی، دانشگاه اسلامی، مدرسه اسلامی، ایران اسلامی و....

اسلامی که در این‌جا مد نظر امام است، همان‌گونه که در پاسخ به سؤال نخست دیدیم، اسلامی جامع، سیاسی، انقلابی و رادیکال است نه اسلام سنتی و محافظه‌کار.

• دال برتر این گفتمان چیست؟

آن دالی که در گفتمان امام خمینی دال کانونی هویت است و در پاسخ به کیستی افراد ارائه می‌شود دال "مسلمان" است. هر فرد، در گفتمان امام خمینی، یک مسلمان است و فرد برای تعریف خود، خویش را یک مسلمان می‌داند. در این گفتمان، در پاسخ به این سؤال که شما کیستید؟ جواب داده می‌شود که ما "مسلمانیم"؛ یعنی هم در تعریف هویت فردی و هم هویت جمعی، این گفتمان هر فرد را یک "مسلمان" و جامعه را هم جامعه "مسلمانان" تعریف می‌کند. امام خمینی، مردم ایران را مردمی مسلمان می‌داند که علاقه‌مند به اسلام و احکام و قواعد آن هستند و چون مسلمان هستند خود را جزئی از جامعه اسلامی جهانی (مسلمانان جهان) می‌دانند و به همین دلیل است که ندای وحدت اسلامی را در گفتمان خود سر می‌دهد و به جای وحدت ایرانی‌ها از وحدت مسلمان‌ها صحبت می‌نماید (صحیفه امام، ج ۴: ۳۱۷، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۷، ۳۴۲؛ ج ۶: ۹، ۱۰۷ و امام خمینی، ۱۳۸۵: ۴، ۳۶، ۳۷، و...).

• دال (دال‌های) تهی این گفتمان چیست؟

با بررسی متون امام (نوشتاری و گفتاری)، دال تهی مرکزی در این گفتمان، "اسلام" (فرهنگ اسلامی، اقتصاد اسلامی، سیاست اسلامی، حکومت اسلامی) است و دال‌های مهم تهی دیگر، عبارت‌اند از: استقلال، آزادی، قانون و عدالت (صحیفه امام، ج ۱: ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۱، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۳۰، ۲۲۸، و...).

۱- همچنین نگاه کنید به: صحیفه امام، جلد ۵: ۴۴۰ و جلد ۶: ۴۱.

امام در نوشتارها و گفتارهای خود مدام بر دال‌های تهی در گفتمان سلطنت و حکومت پهلوی تأکید می‌ورزد و سعی دارد آن‌ها را برای مردم آشکار کند. امام با تأکید بر دال‌های تهی است که سعی دارد نواقص حکومت پهلوی و خلأهای موجود در آن را نشان دهد و این گفتمان را از اعتبار و مشروعیت محروم نماید (صحیفه امام، ج ۱: ۹۱، ۱۵۳، ۲۶۲، ۲۹۰-۲۸۸، ۴۱۵؛ ج ۴: ۲۹۳-۲۹۲، ۴۶۳؛ ج ۵: ۵۶-۵۴، ۹۸ و...).

• دقایق این گفتمان کدامند و چگونه در اطراف نقطه کانونی یا دال تهی مفصل‌بندی می‌شوند؟

مهم‌ترین دقایق گفتمان امام خمینی عبارت‌اند از:

- آزادی (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۰، ۳۶، ۱۳۸؛ صحیفه امام، ج ۱: ۱۱۸، ۲۸۷، ۲۸۶ و ج ۳: ۳۰، ۵۰۸، ۵۲۰، ج ۴: ۷۴، ۷۹، ۱۱۴، ۱۳۷، ۱۵۲، ۴۶۰ و ج ۵: ۳۲، ۶۹، ۱۰۹، ۴۱۶، ۴۸۲ و ج ۶: ۱۹۰، ۲۱۹، ۲۷۷، ۳۲۰، ۴۵۰، ۴۵۱، ۵۲۳، ۵۲۶)،
- اجتهاد (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۶۳)،
- امامت (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۶۹)،
- انتخابات (صحیفه امام، ج ۱: ۴۵ و ج ۵: ۳۳۹ و ج ۶: ۴۰۸، ۴۷۱، ۴۸۰، ۵۱۳)،
- انقلاب (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳۴؛ صحیفه امام، ج ۳: ۳۹۱، ۴۸۹، ۵۰۲ و ج ۴: ۴۱، ۷۷، ۱۹۹، ۲۱۱، ۳۰۷، ۴۲۹؛ ج ۴: ۴۳۷، ۴۸۳، ۴۸۵، ۵۰۵ و ج ۵: ۷۹، ۱۳۶، ۱۵۱، ۱۵۸، ۱۷۲، ۲۴۱، ۲۶۶، ۳۹۸، ۴۲۶، ۴۷۱، ۴۸۸، ۵۰۳، ۵۱۹، ۵۴۴ و ج ۶: ۸، ۲۱، ۴۰، ۱۱۰، ۱۳۰، ۱۳۶، ۱۶۷)،
- ایمان (صحیفه امام، ج ۲: ۲۳ و ج ۳: ۳۹۲ و ج ۶: ۱۷۷، ۲۲۹، ۳۴۱، ۳۴۶، ۳۴۷)،
- ترقی و پیشرفت (صحیفه امام، ج ۱: ۳۱، ۲۷۱، ۳۰۴ و ج ۶: ۱۴، ۶۷، ۲۵۲)،
- تکلیف و وظیفه (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۵۰، ۶۹، ۵۷، ۸۹، ۹۲، ۱۱۹، ۱۳۵؛ صحیفه امام، ج ۲: ۳۲، ۳۰۶ و ج ۳: ۴۰۴، ۴۱۲، ۵۲۴ و ج ۴: ۱۳۳، ۱۶۸، ۲۲۵، ۴۵۲ و ج ۵: ۱۸، ۱۱۸، ۱۹۱، ۲۰۱ و ج ۶: ۱۲۸)،
- تقلید (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۴۸)،
- تهذیب (صحیفه امام، ج ۲: ۱۴، ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۰، ۳۱۷، ۳۳۴، ۳۹۰ و ج ۶: ۲۸۶)،
- جمهوری (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۴۴، ۹۴؛ صحیفه امام، ج ۴: ۲۶۳، ۴۷۹، ۴۹۳، ۴۹۶، ۵۱۲ و ج ۵: ۷۳، ۳۰۹، ۳۳۳، ۳۵۵، ۴۱۶، ۴۳۶، ۴۸۲، ۵۳۷ و ج ۶: ۲۶۹، ۲۷۶، ۳۰۹؛ ج ۷: ۳۲۴، ۳۴۸، ۳۵۳، ۳۷۷، ۳۸۷)،
- حکومت و دولت (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۳۵، ۳۶، ۸۵، ۵۰، ۱۰، ۹۵، ۱۲۲؛ صحیفه امام، ج ۲: ۳۰، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۷۲ و ج ۳: ۴۱۸، ۴۱۹، ۵۰۹، ۵۱۴، ۵۱۷ و ج ۴: ۴۰، ۵۸، ۱۵۲، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۷۵ و... و ج ۵: ۲۴، ۲۶، ۲۸، ۳۲، ۹۰، ۱۵۹، ۱۶۰، ۲۱۵ و... و ج ۶: ۲۶، ۵۱، ۵۶، ۷۸، ۹۸، ۱۰۱، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۷۶)،
- سنت و سیره (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۲۶، ۲۹، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۵۷، ۵۹، ۱۱۰، ۱۳۰، ۱۴۳؛ صحیفه امام، ج ۳: ۱۴۷)،
- سیاست (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۱، ۲۰، ۲۲، ۳۵، ۲۳، ۱۳۱؛ صحیفه امام، ج ۱: ۲۷۰ و ج ۲: ۳۷۰ و ج ۳: ۲۲۷، ۳۳۸ و ج ۴: ۱۲۷، ۲۷۷، ۳۳۸، ۴۰۶، ۴۴۰، ۴۴۷ و ج ۵: ۵۸، ۴۹۰ و ج ۶: ۴۱، ۴۷، ۱۸۹، ۲۰۱، ۳۳۳)،
- روحانیت (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۱۰، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۵-۱۴۶؛ صحیفه امام، ج ۱: ۱۰۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۸۸، ۱۹۲، ۲۶۷، ۲۶۸ و... و ج ۲: ۱۵۱، ۳۶۸، ۳۷۰، ۴۸۱ و ج ۳: ۲۳۴، ۲۴۶، ۳۳۶، ۴۰۵ و ج ۴: ۱۳، ۱۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹ و... و ج ۵: ۲۵ و ج ۶: ۴۰، ۴۴، ۴۷، ۸۹، ۲۴۸)،
- شهادت (صحیفه امام، ج ۳: ۲۳۳ و ج ۴: ۱۴۸ و ج ۶: ۴۰۱، ۴۹۱، ۵۰۲، ۵۰۳)،

دلایل لزوم تشکیل حکومت اسلامی، از نظر امام، عبارت‌اند از: «لزوم مؤسسات اجرائی» (همان: ۲۵)، «سنت و رویه رسول اکرم» (همان: ۲۶)، «ضرورت استمرار اجرای احکام اسلام» (همان: ۲۶)، «رویه امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)» (همان: ۲۸)، «ماهیت و کیفیت قوانین اسلام» (همان: ۲۸)، از جمله: «احکام مالی» (همان: ۳۱)، «احکام دفاع ملی» (همان: ۳۳)، «احکام احقاق حقوق و احکام جزایی» (همان: ۳۴). امام، علاوه بر این دلایل عقلی، دلایل نقلی، روایات و اخبار متعددی را در ضرورت تشکیل حکومت اسلامی ذکر می‌نماید.

به نظر امام، «حکومت اسلامی هیچ یک از انواع طرز حکومت‌های موجود نیست. مثلاً استبدادی نیست، که رئیس دولت مستبد و خودرأی باشد؛ مال و جان مردم را به بازی بگیرد و در آن به دل‌خواه دخل و تصرف کند؛ هر کس را اراده‌اش تعلق گرفت بکشد، و هر کس را خواست انعام کند، و به هر که خواست تیول بدهد و املاک و اموال مردم را به این و آن ببخشد» (همان: ۴۳).

ایشان حکومت اسلامی را نه استبدادی و مطلقه بلکه مشروطه نه به معنای رایج آن بلکه مشروط به احکام قرآن و خدا و سنت پیامبر می‌داند. امام بیان می‌کند:

«فرق اساسی حکومت اسلامی با حکومت‌های مشروطه سلطنتی و جمهوری در همین است: در این‌که نمایندگان مردم، یا شاه، در این‌گونه رژیم‌ها به قانونگذاری می‌پردازند، در صورتی که قدرت مقننه و اختیار تشریح در اسلام به خداوند متعال اختصاص یافته است ... در حکومت اسلامی به جای «مجلس قانونگذاری» ... مجلس برنامه‌ریزی وجود دارد که برای وزارتخانه‌های مختلف در پرتو احکام اسلام برنامه ترتیب می‌دهد.» (همان: ۴۴).

به نظر امام، زمامدار حکومت اسلامی ولی فقیه است که دارای دو خصیصه علم به قانون الهی و عدالت می‌باشد (همان: ۴۹). در نظر امام، ولی فقیه تمام اختیارات پیامبر و حضرت امیر را در تشکیل حکومت دارد (همان: ۵۰).

حکومت اسلامی در این گفتمان، هدف نیست، بلکه خود وسیله است. امام، در این خصوص، بیان می‌دارد: «حکومت وسیله‌ای است برای تحقق بخشیدن به هدف‌های عالی» (همان: ۵۴).

در نظر امام با استناد به سخنان حضرت علی (ع) هدف‌های عالی حکومت عبارت‌اند از: نجات مظلومین از دست ستمکاران، برقراری حق و از بین بردن باطل (همان: ۵).

اسطوره مورد نظر این گفتمان را، علاوه بر کتاب ولایت فقیه، می‌توان به کرات در سخنان و بیانات امام نیز یافت (صحیفه امام، ج ۳: ۵۰۹؛ ج ۴: ۴۱۸ - ۴۱۷؛ ج ۵: ۱۷۰، ۴۴۸).

• این گفتمان چه سوژه‌هایی را معرفی و خلق می‌کند؟

مهم‌ترین سوژه‌های گفتمان امام خمینی، عبارت‌اند از: آخوند سیاسی، آخوند درباری، آخوند غیر سیاسی، آمریکا، ابرقدرت، اجنبی، ارباب، اروپا، استاد، استکبار، استعمار، استبداد، امام، انگلیس، بازاری، پادشاه، پهلوی، روس‌ها، روشنفکر، شهید، طاغوت، طلبه، ظالم، عرب، عالم، غرب‌زده، غرب، غیرمسلمان، شرق، فلسطین، ولی فقیه، قدرتمند، کارگر، کافر، کمونیست و مارکسیست، لیبرال، مالک، مجتهد، محروم، مستضعف، مسلمان، مظلوم، ملت، ملی‌گرا، مؤمن، نماینده مجلس، یهودی (امام خمینی، ۱۳۸۵ و صحیفه امام، ج ۱-۶).

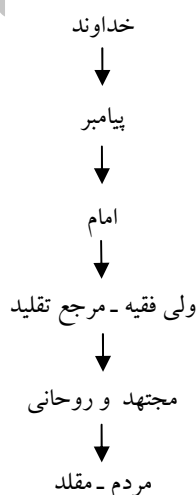
• با توجه به منطق هم‌ارزی و تمایز، هر سوژه دارای چه هویتی (مثبت یا منفی) است یا چگونه بازنمایی می‌شود (مثبت یا منفی)؟

سوژه‌های مثبت در گفتمان امام خمینی، عبارت‌اند از: آخوند سیاسی، استاد، امام، بازاری، شهید، طلبه، عرب، عالم، شرق، فلسطین، ولی فقیه، مؤمن، کارگر، مجتهد، محروم، مستضعف، ملت، مظلوم، مسلمان (امام خمینی، ۱۳۸۵ و صحیفه امام، ج ۱-۶). سوژه‌های منفی در این گفتمان عبارت‌اند از: آخوند درباری، آخوند غیرسیاسی، آمریکا، ابرقدرت، اجنبی، ارباب، اروپا، استکبار، استعمار، استبداد، انگلیس، پادشاه، پهلوی، روس‌ها، روشنفکر، طاغوت، ظالم، غرب‌زده، غرب، غیرمسلمان، قدرتمند، کافر، کمونیست و مارکسیست، لیبرال، مالک، ملی‌گرا، نماینده مجلس، یهودی (امام خمینی، ۱۳۸۵ و صحیفه امام، ج ۱-۶).

• موقعیت‌های سوژه‌ای این گفتمان کدامند؟

مهم‌ترین و عمده‌ترین موقعیت‌های سوژه‌ای گفتمان امام خمینی عبارت‌اند از: رهبری (ولی فقیه)، فقیه و روحانی، مردم، مرجع تقلید و مقلد. در این گفتمان به موقعیت‌های سوژه‌ای مقلد و مردم و مجتهد و روحانی موقعیت‌های سوژه‌ای فرعی‌ای هم اختصاص داده می‌شود. به عبارت دیگر، بر اساس این گفتمان موقعیت‌های سوژه‌ای مردم و مقلد و مجتهد و روحانی در درون خود به موقعیت‌های سوژه‌ای فرعی دیگری تقسیم می‌گردند که این موقعیت‌ها نیز سلسله مراتبی هستند. علاوه بر این، این گفتمان، موقعیت‌های سوژه‌ای دیگری را هم به موقعیت‌های فوق اضافه می‌کند و در ارتباط با آن‌ها به موقعیت‌های سوژه‌ای پیشین جایگاهی سلسله مراتبی می‌بخشد. این موقعیت‌های سوژه‌ای عبارت‌اند از: خداوند، پیامبر و امام (امام خمینی، ۱۳۸۵ و صحیفه امام، ج ۱-۶).

سلسله مراتب موقعیت‌های سوژه‌ای در گفتمان امام خمینی



نتیجه‌گیری

در این مقاله با استفاده از چهارچوب نظری و روشی تحلیل گفتمان، سعی شد تا توصیفی نسبتاً منسجم و روشمند از گفتمان امام خمینی به عنوان یکی از گفتمان‌های مهم و اثرگذار جهان معاصر برای شناخت بهتر این گفتمان به دست داده شود. در پاسخ به سؤالات و با بررسی روشمند گفتمان امام خمینی، به اجمال نتایج ذیل حاصل گردید:

- ۱- این گفتمان سعی دارد با تفسیر جدید و همه‌جانبه‌نگر از اسلام به همه ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، معنایی متفاوت از اسلام سنتی و سایر گفتمان‌ها اعطا کند.
- ۲- در این گفتمان اسلام به مثابه یک دین کامل پنداشته می‌شود که سیاست از آن جدا نیست.
- ۳- نقطه کانونی این گفتمان، "اسلام" با معنایی متفاوت و جدید است.
- ۴- دال برتر این گفتمان، "مسلمان" با معنایی جدید و متفاوت می‌باشد.
- ۵- دال‌های تھی این گفتمان، عبارت‌اند از: استقلال، آزادی، قانون و عدالت.
- ۶- این گفتمان دارای دقایق متعددی است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: آزادی، عدالت، اجتهاد، امامت، انقلاب، ایمان، ترقی، پیشرفت، قانون، شهادت، وحدت، حکومت و ولایت.
- ۷- اسطوره گفتمان امام خمینی "حکومت اسلامی" است.
- ۸- مهم‌ترین سوژه‌های مثبت این گفتمان، عبارت‌اند از: آخوند سیاسی، شهید، طلبه، فلسطین، ولی فقیه، مؤمن، مجتهد، محروم، مستضعف، ملت، مظلوم و مسلمان.
- ۹- مهم‌ترین سوژه‌های منفی این گفتمان عبارت‌اند از: آخوند درباری، آخوند غیرسیاسی، آمریکا، ابرقدرت، اجنبی، استکبار، استعمار، استبداد، انگلیس، پادشاه، پهلوی، روسیه، کافر، کمونیست، مارکسیست، لیبرال و ملی‌گرا.
- ۱۰- موقعیت‌های سوژه‌ای این گفتمان عبارت‌اند از: خداوند، پیامبر، امام، ولی فقیه، مرجع تقلید، مجتهد، روحانی و مقلد.

منابع و مأخذ

فارسی

- آرون، ریمون (۱۳۶۴)، *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقرپرهام، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۸)، *ایران بین دو انقلاب (درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی معاصر)*، ترجمه احمدگل محمدی، تهران، نشر نی.
- ادیب حاج باقری، محسن و همکاران (۱۳۸۵)، *روش‌های تحقیق کیفی*، تهران، نشر بشری.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۸)، *فرامردنیسم و تحلیل گفتمان و قدرت / معرفت: بحثی در چهره‌های جدید قدرت*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، *گفتمان و تحلیل گفتمانی*، تهران، فرهنگ گفتمان.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۲)، *«گفتمان، سیاست و اجتماع»*، فصلنامه سیاسی - اجتماعی گفتمان، شماره ۸، صص ۶۶-۵۱.
- خمینی (امام)، روح‌الله (۱۳۸۵)، *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- سیلورمن، دیوید (۱۳۷۹)، *روش تحقیق کیفی در جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ اول، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- *صحیفه امام*، جلد ۶-۱، (۱۳۸۵)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- فوکو، میشل (۱۳۷۸)، *نظم گفتار*، ترجمه باقر پرهام، تهران، آگاه.
- قجری، حسینعلی (۱۳۸۷)، *قابلیت‌های تحلیل گفتمان در بررسی پدیده‌های فرهنگی - اندیشه‌ای*، پژوهشنامه متین، شماره ۴۰، صص ۹۰-۶۳.
- لاکلاو، ارنستو (۱۳۷۷)، *«گفتمان»*، ترجمه حسینعلی نودری، فصلنامه سیاسی - اجتماعی گفتمان، شماره صفر، صص ۵۴-۳۹.
- نش، کیت (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: سیاست و قدرت*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، کویر.

انگلیسی

- Howarth, David, Howarth, David and Stavrakakis, Yannis (۲۰۰۰), *Introgucing Discourse Theory and Political Analysis*, in Norval, Aletta J and Stavrakakis, Yannis (ed), *Discourse Theory and Political Analysis (Identities, Hegemonies and Social Change)*, Manchester University Press, First Published, Manchester and New York, pp: ۱-۲۵

- Jorgensen Marianne and Louise Phillips (۲۰۰۲), **Discourse Analysis As Theory and Method**, SAGE Publications, London, Thousand Oaks New Dehli , First Published.
- Laclau, E. and Mouffe, C (۱۹۸۵), **Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Discourse Politics**, Verso, London
- Laclau, E. and Mouffe, C (۱۹۸۵), **Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Discourse Politics**, Verso, London.
- Laclau, A (۱۹۹۰), **New Reflection on the Revolution of Our Time**, London, Verso.
- Laclau, A (۱۹۹۳) **Power and Representation**, in M, Poster (ed), **Politics, Theory and Contemporary Culture**, New York, Columbia University Press.
- Meyer, M (۲۰۰۱), **Between theory, Method and Politics: Positioning of The Approaches to CDA**, In Ruth Wodak and Michael Meyer (ed.), **Methods of Critical Discourse Analysis**, London, Sage PP: ۱۴ –۳۱.
- Meyer, M, Wodak, Ruth (۲۰۰۱), **Methods of Critical Discourse Analysis**, London , Sage.
- Norval, Aletta J (۲۰۰۰), **Trajectories of Future Discourse Theory**, in Howarth, David, Norval, Aletta J and Stavrakakis, Yannis (ed) (۲۰۰۰), **Discourse Theory and Political Analysis (Identities, Hegemonies and Social Change)**, Manchester University Press, First Published, Manchester and New York, PP: ۲۱۹ –۲۳۶.
- Potter, J (۱۹۹۶), **Discourse analysis**, in A. Cuper (ed.), **Encyclopedia of the social Sciences**, London, Routledge, pp. ۱۸۸ –۹.
- Van Dijk, Teun (۲۰۰۲), **Principal of Critical Discourse Analysis**, in Michael Toolan, ed, **Critical Discourse Analysis**, volume ۲, Routledge ,
- Wodak, Ruth, (۲۰۰۱), **The Discourse-Historical Approach**, in Wodak, Ruth & Meyer, Micheal, **Methods of Critical Discourse Analysis**, SAGE Publications, London, Thousand, New Dehli, First Published, PP: ۶۳- ۹۴.